

## فعالیت‌های اقتصادی ممنوع در اسلام

سید حسین اسحاقی\*

### چکیده

نگارنده در این مقاله فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که با ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی سازگاری ندارد را مورد اشاره قرار داده و از همین رو فعالیت‌هایی همچون فروش اسلحه به دشمنان دین، کلاهبرداری، رشوه‌خواری و ربا و غیره را با استناد به آیات و روایات و دیدگاه‌های فقهای امامیه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

### مقدمه

کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که مانع تحقق ایده‌ها و ارزش‌های شناخته شده اسلامی باشد ممنوع است. به عبارت دیگر، تملک صحیح به شرایطی وابسته است: اولاً، مال باید از راه حلال به دست آمده باشد و با هیچ یک از قواعد صریح اسلامی مخالف نباشد؛ ثانیاً، این تملک و اختصاص مستلزم ضرری برای دیگران<sup>۱</sup> و نیز ابطال حقی از آن‌ها نباشد. برخی فعالیت‌های اقتصادی ممنوع عبارت است از:

#### ۱- فروش اسلحه به دشمنان دین

شیخ طوسی<sup>۲</sup> در النهایه می‌گوید: «فروش اسلحه به کفار و دشمنان دین حرام است».

علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر<sup>۳</sup> دربارهٔ مسلمانانی که کالای تجارتمی نزد مشرکین می‌برند و به آنان می‌فروشند پرسیدم، فرمود: «اذا لم یحملوا بها سلاحاً فلا بأس».

\*- محقق و نویسنده.

۱- در حدیثی از پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> آمده: «لا ضرر فی الاسلام»؛ (وسائل، ج ۱۷، ص ۳۴۱، کتاب احیاء الموت، باب ۱۲، حدیث ۲).

۲- النهایه، ص ۳۶۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۷۰.

از مفهوم این روایت استفاده می‌شود که اگر مسلمانان اسلحه حمل کنند و به مشرکین بفروشند، اشکال دارد.

مرحوم صدوق به سند خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که به علی رضی الله عنه فرمود: «ده گروه از این امت به خداوند متعال کافر شده‌اند، از جمله فروشنده سلاح به کفار حربی».<sup>۱</sup>

#### ۲- اجاره برای کار حرام

یکی دیگر از مواردی که آزادی‌های ناروای اقتصادی را محدود می‌کند، حرمت اجاره دادن مسکن یا وسیله نقلیه جهت استفاده حرام از آن است. صاحب جواهر می‌گوید: «اگر کسی مسکن و یا کشتی خود را به دیگری اجاره دهد و به طور صریح شرط کند آن را در کار حرام به کاربرد و یا طرفین عقد بر آن اتفاق کنند هر چند در متن عقد به آن تصریح نشود، در حرمت این گونه اجاره مخالفی نیافتیم بلکه صاحب مجمع البرهان آن را به ظاهر به اصحاب نسبت داده است».<sup>۲</sup>

شیخ طوسی نیز در این باره می‌گوید: «اگر کسی منزل و یا مغازه‌ای را برای کلیسا و یا فروش خمر اجاره کند آن اجاره حرام و باطل است دلیل ما اجماع فرقه و اخبار ایشان است».<sup>۳</sup>

#### ۳- تصدی ولایت جائر

تصدی ولایت و کار از طرف حاکم جائر مانند پذیرفتن مقام صدارت، وزارت، قضاوت و... جایز نیست. مرحوم کلینی به سند خود از زیاد بن ابی سلمه روایت می‌کند که گفت: «روزی خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر رضی الله عنه رسیدم، به من فرمود:

یا زیاد انک لتعمل عمل السلطان؟ قال: قلت اجل، قال لی: و لم قلت: انا رجل لی مروءة و علی عیال و لیس وراءی ظهری شیء، فقال لی: یا زیاد کان اسقط من حالک فاطتقع قطعة قطعة أحب الی من ان اتولئ لأحد منهم او أطا بساط رجلٍ منهم؛ ای زیاد آیا شما برای سلطان کار می‌کنی؟ گفتم مدتی است، امام فرمود: برای چه؟ گفتم من زندگی و عیال و فرزند دارم و سرمایه‌ای نیز ندارم، امام فرمود: ای زیاد اگر خلق آویز می‌شدم و قطعه قطعه می‌شدم برای من خوشایندتر بود که ولایت اینها را قبول کنم».<sup>۴</sup>

#### ۴- چاپ و نشر کتب ظلال

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يُخَذَّهَا هُزُواً أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا بگیرند، برای آنان عذابی خوار کننده است».<sup>۵</sup>

در این آیه خرید و فروش احادیث لهو و سرگرم کننده‌ای که به منظور گمراه کردن و منحرف

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۵۱، باب العشره، حدیث ۵۶.

۲- جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۳۰.

۳- الخلاف، ج ۲، ص ۲۱۴، کتاب الاجاره، مسئله ۳۷، مکاسب محرمة، شیخ انصاری، ص ۱۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۰، باب ۴۶، حدیث ۹.

۵- لقمان / ۶

انسان نمی‌تواند از راه فریب و نیرنگ، خیانت و غش در معامله، مال و ثروت به دست آورد. مقصود از غش در معامله آن است که جنس بد را داخل جنس خوب نماید یا به جای جنس خوب معامله کند و یا عیب جنس خود را بپوشاند.

ساختن از راه خدا باشد وعده عذاب داده شده است و معلوم است اگر کاری حرام نباشد، عذاب ندارد، و کتب ضلال از مصادیق بارز لهو الحدیث است.

صاحب مفتاح الکرامه پس از نقل فتوای عده‌ای از فقها می‌گوید: «فقها علیهم‌السلام بر حرمت نسخه‌برداری و حفظ و نگاه‌داری کتب ضلال - به استثنای برخی موارد - اتفاق نظر دارند و اجماعی بودن این مسئله روشن است، زیرا نه مخالفی وجود دارد و نه کسی در آن تردید نموده است».<sup>۱</sup>  
مرحوم شیخ مفید نیز می‌گوید: «کسب مال و ثروت از راه حفظ کتب ضلال و نسخه‌برداری از آن‌ها حرام است».<sup>۲</sup>

#### ۵- کلاهبرداری

انسان نمی‌تواند از راه فریب و نیرنگ، خیانت و غش در معامله، مال و ثروت به دست آورد. مقصود از غش در معامله آن است که جنس بد را داخل جنس خوب نماید یا به جای جنس خوب معامله کند و یا عیب جنس خود را بپوشاند. صاحب‌جواهر در این مورد می‌گوید: «مشهور میان فقها علیهم‌السلام آن است که اگر فروشنده غش در معامله کند چنین معامله‌ای حرام است، بلکه برخی از فقها علیهم‌السلام بر آن ادعای اجماع کرده‌اند».<sup>۳</sup>

مرحوم کلینی به سند معتبر از امام صادق علیه‌السلام و آن حضرت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند که حضرت به مردی خرما فروش فرمود:

«أَمَا عَمِلْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُشْمِئِينَ مَنْ غَشَّهُمْ».<sup>۴</sup>

مرحوم صدوق نیز به سند خود از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود:

«وَمَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شَرَاءِ أَوْ بَيْعِ فُلَيْسٍ مَنَا وَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغْشَى الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ؛ اگر کسی از مسلمانان در خرید یا فروش غش کند، از ما نیست و روز قیامت با یهود محسور خواهد شد و به خاطر این که آنها (یهودیان) نسبت به مسلمانان با غش‌ترین مردم هستند».

#### ۶- تطیف (کم فروشی)

در شرع مقدس اسلام کم فروشان به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و به عذاب الهی تهدید شده‌اند. «وَيَلْ لِلْمُظْطَفِّينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَنْظُرُ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيُزِمَ عَظِيمٌ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وای بر کم‌فروشان - آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند - اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا

رواق اندیشه ۴۹

۱۰۲  
فعالیت‌های اقتصادی  
متنوع در اسلام

۲- مقنعه، ص ۹۰ (ابواب المکاسب).

۱- مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۱۶۲.

۳- جواهرالکلام، ج ۲۲، ص ۱۱۱.

۴- فروع کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، کتاب المعیشه (باب العش)، حدیث ۲

وزن کنند، کم می‌گذارند - آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند - در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند»<sup>۱</sup>.

«أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْبَاحِ مَفْسِدِينَ؛ حق پیمانانه را ادا کنید (و کم‌فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید - و با ترازوی صحیح وزن کنید - و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید»<sup>۲</sup>.

در این آیات به روشنی از کم‌فروشی منع شده است. مرحوم صدوق نیز از امام باقر علیه السلام و ایشان نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که حضرت فرمود: «سرنوشت بدی در انتظار کم‌فروشان است»؛ «و لم ينقصوا المكيال والميزان الا اخذوا بالسنين وشدة المؤونة وجور السلطان»<sup>۳</sup> و از پیمانانه و ترازو کم نگذارند جز این که به قحطی و سختی مؤونه زندگی و ظلم و ستم سلطان و حاکم گرفتار شوند».

#### ۷- خرید و فروش مسکرات

یکی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی که شرع مقدس اسلام کسب مال و ثروت را از آن حرام دانسته و در نتیجه، آزادی‌های اقتصادی را محدود می‌کند، خرید و فروش مسکرات است.

صاحب مفتاح الکرامه رحمته الله از کتاب خلاف و نهاییه شیخ طوسی و کتاب منتهی و تذکرة الفقهای علامه و سرائر ابن ادریس نقل می‌کند که حرمت خرید و فروش خمر و مانند آن، اجماعی است.

مرحوم کلینی نیز از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند:

«ان الذی حرّم شربها حرّم خرم ثمنها<sup>۴</sup>؛ همانا کسی که نوشیدن خمر را حرام کرده بهای آن را نیز حرام کرده است».

هم‌چنین از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت می‌کند:

«ان الله عز و جل لم يحرم الخمر لاسمها ولكن حرّمها لعاقبتها فما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر»<sup>۵</sup> همانا خدای عزوجل شراب را به خاطر نامش حرام نکرده بلکه به خاطر اثر و عاقبتش حرام کرده، پس هر چیزی که اثر و نتیجه شراب را داشته باشد، شراب و حرام است».

روایت اول به روشنی بر حرمت خرید و فروش شراب دلالت دارد و روایت دوم نیز هر مست‌کننده‌ای را ملحق به شراب و حرام می‌شمارد.

#### ۸- کسب درآمد از راه قمار

بر اساس آیات قرآنی، اموالی که از راه قمار به دست می‌آید ملک انسان نمی‌شود و تصرف در آن حرام است. در سوره نساء آمده است:

۱- مطففین / ۱۶.

۲- شعراء، ۱۸۳ - ۱۸۱.

۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۰۰.

۴- مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۱۸، کتاب المتاجر.

۵- فروع کافی، ج ۵، ص ۲۳۰، کتاب المعیشه.

فقه‌ا گرفتن  
رشوه توسط  
قضات و دیگران را  
حرام و اموالی را که  
از این راه به دست  
می‌آید نامشروع  
دانسته‌اند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان را به باطل (از طریق نامشروع) نخورید مگر آن که تجارتی باشد که با رضایت شما انجام گیرد».

مرحوم کلینی روایتی را از امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه شریفه نقل می‌کند:  
«کانت قریش یقامرُ الرجلُ باهله و ماله فتهاهم الله عزوجل عن ذلك<sup>۲</sup>؛ قریش مال و اهل و عیال خود را قمار و برد و باخت می‌کردند پس خدای عزوجل آنان را از این کار نهی فرمود».  
در آیه دیگری آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانا شراب و قمار و بت‌ها و ازلام پلید و از عمل شیطان است پس از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید».

مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «پس از آن که این آیه شریفه نازل شد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد «میسر» چیست، فرمود: «كُلَّمَا تَقَرَّمَا بِهِ حَتَّى الْكَعَابِ وَالْحُجُزِ»<sup>۴</sup> هر چیزی که با آن قمار و برد و باخت شود حتی قمار با قاپ و گردو».

قاپ یا کعب نوعی استخوان خرد در پاچه گوسفند می‌باشد که با آن نوعی قمار کنند.<sup>۵</sup>  
۹- رشوه خواری

یکی دیگر از کسب‌های ممنوع و حرام، رشوه‌خواری است. ابن اثیر در النهایة در معنای رشوه گفته است: «رسیدن به حاجت با استماله و سازش و فریب».<sup>۶</sup>

در اقرب الموارد نیز آمده است: «رشوه چیزی است که برای ابطال حق و یا احقاق باطل و یا برای تملق و چاپلوسی داده شود».<sup>۷</sup>

فقه‌ا گرفتن رشوه توسط قضات و دیگران را حرام و اموالی را که از این راه به دست می‌آید نامشروع دانسته‌اند.

صاحب جواهر می‌گوید: «گرفتن رشوه در قضاوت به اجماع منقول و محصل حرام است».<sup>۸</sup>  
محقق ثانی نیز می‌گوید: «گرفتن رشوه بر قضاوت به اجماع مسلمین حرام است خواه قاضی به حق حکم کند یا باطل، به نفع رشوه دهنده یا به ضرر او».<sup>۹</sup>

۱- نساء / ۲۹.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۱۲۲، کتاب المعیشه، (باب القمار) حدیث ۱ و ۲.

۳- فروع کافی، ج ۵، ص ۱۲۲، کتاب المعیشه، حدیث ۱.

۴- مانده / ۹۰.

۵- فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۶۰۱.

۶- النهایة، ج ۲، ص ۲۲۶.

۷- اقرب الموارد، ج ۱، ص ۴۰۷.

۸- جواهرالکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۵.

۹- جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۵.

در قرآن کریم نیز آمده است: «أَكَالُونَ لِلشُّحْتِ»؛ اموال سحت و نامشروع را بسیار خورند.

«و تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

«لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ».

در مفردات راغب آمده است که: «سحت» همان رشوه می باشد و منظور از «أَكَالُونَ لِلشُّحْتِ» آن است که چیزی را می خورند که موجب از بین رفتن دینشان می شود.<sup>۲</sup>

روایات اسلامی نیز رشوه را سحت دانسته اند، چنان چه علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از

امام صادق علیه السلام و آن حضرت نیز از علی علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«و من الشُّحْتِ ثمن الميتة و ثمن الكلب و مهر البغی و الرشوة فی الحكم».<sup>۳</sup>

مرحوم صدوق در «خصال» از امام صادق علیه السلام چنین روایت می کند:

«و الشُّحْتِ انواعٌ كثيرةٌ: منها... فاما الرِّشَاءُ یا عتارٌ فی الاحكام فانَّ ذلك الكفر بالله العظيم و برسوله».<sup>۴</sup>

نکته قابل توجه این که: گاهی رشوه در لابلای عبارت و عناوین زیبا و فریبنده دیگر انجام و نام

هدیه، حق الزحمه، انعام و مانند آن به خود می گیرد اما این تغییر نامها به هیچ وجه موجب تغییر در

ماهیت آن نمی شود و پولی که از طریق رشوه به هر نام گرفته شود، حرام و نامشروع است. نمونه این

کار توسط «اشعث بن قیس» با هدف تقرب به علی علیه السلام برای دست یابی به اهداف دنیوی صورت

گرفت که شبانه ظرف پر از حلواى لذیذ را به اسم هدیه به درب خانه حضرت آورد، اما امام از این

عمل اشعث سخت بر آشفته و فرمود:

«هبتك الهبول اعن دين الله اتيتني لتخدعني؟ امخبتبط ام زوجة ام تهجر و الله لو اعطيت الاقاليم

السبعة بما تحت افلاكها على ان اعصى الله في نملتها اسلبها جلب شعرة ما فعلته...»<sup>۵</sup>؛ مادرت در سوگ تو

بگریه، آیا از راه دین خدا آمده ای که مرا فریب دهی و از آیین حق باز داری؟ آیا نمی فهمی یا دیوانه ای

یا سخن بیهوده می گویی؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آن چه در زیر افلاک و آسمانهای آنها

است به من دهند تا خدا را درباره مورچه ای معصیت کنم و پوست جوی را از دهانش برابیم هرگز

چنین نخواهم کرد».

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«لعن الله الراشي و المُرْتَشِي و من يبيئها يمشي»؛ خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان

آن دو را از رحمت خود دور گردانیده است».

## ۱۰- احتکار

یکی دیگر از راه‌های به دست آوردن ثروت و ازدیاد سرمایه، احتکار است. فیروزآبادی در کتاب «القاموس المحيط» احتکار را چنین تعریف کرده است: «احتکار عبارت است از حبس کردن چیزی به امید گران شدن».<sup>۱</sup>

در لسان العرب آمده است: «احتکار عبارت است از نگاه داشتن و ذخیره کردن طعام به انتظار گران شدن».<sup>۲</sup>

ابن اثیر و طریحی نیز احتکار طعام را عبارت از خرید و نگهداری آن به امید گران شدن دانسته‌اند.<sup>۳</sup> اما جمعی از فقهاء، احتکار را نگهداری کالا اعم از خوردنی و غیر آن دانسته‌اند؛ نراقی در مستند الشیعه احتکار را عبارت از «نگهداری چیزی به امیدگران شدن» دانسته است.<sup>۴</sup> در منهاج الصالحین مرحوم خویی نیز همین معنا اختیار شده است.<sup>۵</sup>

با توجه به برخی روایات که در آن‌ها از عبارت «احتکار الطعام» استفاده شده است، همین معنای عام از احتکار تایید می‌گردد، زیرا اگر احتکار تنها در مورد طعام مصداق داشت نیاز به آوردن قید طعام نبود. برای احتکار شقوق سه گانه‌ای را می‌توان در نظر گرفت:

الف: احتکار هیچ تأثیری در بازار ندارد یا تأثیر آن، قابل توجه نیست؛ ب: احتکار تأثیر قابل توجهی در بازار دارد و بازار پاسخ‌گوی نیاز مردم نیست؛ ج: احتکار به خاطر تأثیر فراوان در بازار، موجب عسر و حرج شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج خود عاجزند.

در مورد شق اول، فقهاء با استناد به روایات، به جواز آن فتوا داده‌اند. مرحوم شیخ مفید در المقنعه می‌گوید: «در صورت فراوانی غلات در شهر و کفایت آن برای مردم نگهداری آن به امید گرانی جایز است».<sup>۶</sup> در جواهرالکلام نیز به این امر تصریح شده است.<sup>۷</sup>

روایات نیز به این جواز اشعار دارد، چنان‌چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «انما الحکره ان تستری طعاماً و لیس فی المصر غیره فتحکره فان کان فی المصر طعام او متاع غیره فلا یأس ان تلتبس بسلتک الفضل»<sup>۸</sup> احتکار آن است که طعامی را که در شهر غیر از آن وجود ندارد خریداری و ذخیره کنی، ولی اگر در شهر طعام یا متاعی غیر از آن باشد اشکالی ندارد که کالای خود را ذخیره کرده و سود بیش‌تری بخواهی».

۱- لسان العرب، ج ۴، ص ۲۰۸.

۱- القاموس، ج ۲، ص ۱۳.

۲- النهایه، ج ۱، ص ۴۱۷، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۷۵.

۳- منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۱۸.

۴- مستند الشیعه، نراقی، ج ۲، ص ۳۲۸.

۵- جواهرالکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۳.

۶- المقنعه، کتاب البیع، ص ۶۹.

۷- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸.

در شقّ دوم، جمع کثیری از فقها بر حرمت آن فتوا داده‌اند، مانند شیخ طوسی در الاستبصار،<sup>۱</sup> علامه حلی در تذکرة الفقهاء،<sup>۲</sup> شهید ثانی در شرح لمعه،<sup>۳</sup> ابن ادریس در سرائر،<sup>۴</sup> شیخ انصاری<sup>۵</sup> در المکاسب و امام خمینی در البیع.<sup>۶</sup>

روایات نیز ناظر به همین حکم است. چنانچه مرحوم کلینی از سالم حنّاط روایت می‌کند: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: شغلت چیست؟ عرض کردم: گندم فروشم و گاهی اوقات بازار خوبی دارم و گاهی با کساد بازار روبه‌رو می‌شوم و گندم‌ها را ننگه می‌دارم. حضرت پرسیدند: دیگران در این باره چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند محترک است. سپس فرمود: آیا کسی غیر از تو گندم می‌فروشد؟ عرض کردم: من یک هزارم گندم‌هایی که به فروش می‌رسد نمی‌فروشم. آن حضرت فرمود: در این صورت ننگه‌داری گندم‌ها اشکالی ندارد. همانا محترک مردی بود از قریش به نام «حکیم بن خرام» که هرگاه طعامی به مدینه وارد می‌شد تمام آن را خریداری می‌کرد. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی بر او گذر کرد و فرمود: ای حکیم بن خرام! از احتکار بر حذر باش».<sup>۷</sup>

مرحوم شیخ طوسی نیز از امام صادق علیه السلام، از پدر بزرگوارش روایت می‌کند که: «لا تحکیر الطعام الا خا طی»<sup>۸</sup>؛ طعام را احتکار نمی‌کند مگر شخص خا طی و گنه‌کار».

حضرت علی علیه السلام نیز در فرمان خود به مالک اشتر درباره احتکار چنین فرمود: «فامنع من الاحتکار فان رسول الله صلی الله علیه و آله منع منه ولیکن یبیع بیعا سمحاً بموازین عدل و اسعار لا تجف بالفریقین من البائع و المبتاع ممن قارف حکرة بعد نهیک ایاه فنکل به و عاقبه فی غیر اسراف»<sup>۹</sup> پس از احتکار جلوگیری کن که به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرموده است و باید داد و ستد طبق موازین عدل انجام گیرد و با نرخ‌هایی باشد که به هیچ یک از خریدار و فروشنده ستمی نشود پس کسی را که بعد از نهی تو احتکار کند به کیفر رسان به گونه‌ای که سبب عبرت دیگران باشد، بی آن که در مجازات زیاد روی کرده باشی».

مرحوم صدوق در کتاب التوحید از امام صادق علیه السلام، از پدران بزرگوارش چنین روایت می‌کند: «مُر رسول الله صلی الله علیه و آله بالمحترکین فامر بحکرتهم ان تخرج الی بطون الاسواق و حیث تنظر الابصار الیها»<sup>۱۰</sup>؛ پیامبر اکرم به گروهی از احتکار کنندگان برخورد کرد و دستور داد اموال احتکار شده آنان به میان بازار و جایی که در معرض دید همگان است آورده شود».

۱- استبصار، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲- تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۵۸۵.

۳- شرح لمعه، ج ۳، ص ۲۹۸.

۴- سرائر، ص ۲۰۷.

۵- المکاسب، ص ۲۱۲.

۶- البیع، ج ۱، ص ۵۰۱.

۷- فروع کافی، ج ۵، ص ۱۶۵، کتاب المعیشه باب الحکره، حدیث ۴.

۸- استبصار، ج ۳، ص ۱۱۴، باب ۷۷، النهی عن الاحتکار.

۹- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۷.

۱۰- التوحید، ص ۲۷۹، باب القضاء.



حرمت احتکار  
منحصر به جایی  
که کالا به طور کلی  
در بازار نایاب شده  
و مردم به شدت در  
مضیقه و فشار  
باشند و به هیچ  
قیمتی نتوانند آن  
را تهیه کنند،  
نیست بلکه حتی  
اگر کالا در بازار  
موجود باشد ولی  
جریان توزیع آن  
دچار اختلال گشته  
و باعث کمیابی و  
گرانی آن گردد، به  
طوری که از  
دسترس عموم  
خارج و جز با قیمت  
مضاعف قابل تهیه  
نیاشد، نیز احتکار  
ممنوع و حرام  
است.

یعنی حاکم اسلامی محتکر را ملزم به فروش اجناس احتکار شده می‌نماید. البته منع احتکار علاوه بر آن که از بالا رفتن قیمت کالاها احتکار شده جلوگیری می‌کند، مانع بی‌ثباتی و تورم در سایر کالاها نیز می‌گردد. از آن‌چه گذشت، استفاده می‌شود که حرمت احتکار منحصر به جایی که کالا به طور کلی در بازار نایاب شده و مردم به شدت در مضیقه و فشار باشند و به هیچ قیمتی نتوانند آن را تهیه کنند، نیست بلکه حتی اگر کالا در بازار موجود باشد ولی جریان توزیع آن دچار اختلال گشته و باعث کمیابی و گرانی آن گردد، به طوری که از دسترس عموم خارج و جز با قیمت مضاعف قابل تهیه نباشد، نیز احتکار ممنوع و حرام است.

#### ۱۱- اسراف و تبذیر

یکی دیگر از قوانین کنترل‌کننده اقتصادی که از آزادی‌های ناروای اقتصادی جلوگیری می‌کند، قانون حرمت اسراف و تبذیر است. اسراف به معنای تجاوز از حد اعتدال و تبذیر به معنای مصرف مال در غیر مورد آن می‌باشد، هر چند در بسیاری از موارد، این دو در یک معنا به کار می‌روند؛ چنان‌چه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«الان اعطاء المال فی غیر حقہ تبذیر و اسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الآخرة و یکرهه فی الناس و یهینه عندالله؛<sup>۱</sup> آگاه باشید که مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است. این عمل صاحبش را در دنیا بلند مرتبه می‌کند و در آخرت او را پست و حقیر می‌گرداند در نظر توده مردم سبب اکرام او می‌شود و در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام او خواهد شد.

بیش‌تر لغویون اسراف را به معنای تجاوز از حد دانسته‌اند ولی مؤلف المنار می‌گوید:

«اسراف در اصل به معنای افساد، یعنی فاسد کردن است؛ زیرا این ماده از ریشه سرفه گرفته شده است و سرفه در واژه عرب به کرمی که درخت و تخته را می‌خورد و فاسد می‌کند، گفته می‌شود».<sup>۲</sup>

در آیات متعددی از قرآن این عمل مورد نکوهش قرار گرفته است:

«كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۳</sup> بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند

مصرفان را دوست نمی‌دارد».

«ان المسرفین هم اصحاب النار؛ همانا اسراف‌کنندگان از اهل جهنم هستند».<sup>۴</sup>

هم‌چنین می‌فرماید: فرمان مسرفان را اطاعت نکنید؛ «و لا تطیعوا امر المسرفین».<sup>۵</sup>

در مورد حد و اندازه اسراف در تفسیر نورالثقلین از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

رواق اندیشه ۴۹

۱۰۸

فعالیت‌های اقتصادی  
ممنوع در اسلام

۱- نهج البلاغه، فیض اسلام، خطبه ۱۲۶، ص ۳۹۰.

۲- اعراف / ۳۱.

۳- انعام، ۱۴۱.

۴- تفسیر النار، ج ۶ ص ۲۵۱.

۵- غافر / ۳۳.

«للمسرف ثلاثُ علاماتٍ يَشترى ماليس له و يلبس ماليس له و ياكل ماليس له؛<sup>۱</sup> اسراف كننده داراي سه نشانه است: مي خورد آن چه را كه در شأن او نيست و مي پوشد آن چه را كه در شأن او نيست و مي خورد آن چه را كه در شأن او نيست».

نتيجه اين كه انسان مسلمان در استفاده ناصحيح از نعمت هاي الهی آزاد نيست و تعاليم ارزشمند اسلام نيز در جهت استفاده صحيح از منابع طبيعي و بيت المال مي باشد.

۱۲- ربا

يكی ديگر از فعاليت هاي اقتصادي ممنوع ربا است. ربا در اصل به معنای زياد شدن و نمو كردن است. در قاموس المحيط و اقرب الموارد<sup>۲</sup> آمده است: «ربا المال يربو، زاد و نما؛ يعنى مال زياد شد و نمو كرد».

البته ربای حرام بر دو نوع است:

الف: ربای قرضی: و آن در جایی است كه پول يا کالا به ديگري قرض دهد و شرط كند پس از پايان مدت، بيش از آن چه به او داده بگيرد.

ب: ربای معاملی: فروش یکی از دو جنس متمائل به مثل آن با زيادی، در صورتی كه مكيل و موزن باشد، خواه زيادی عين آن باشد، مثل فروش يك من گندم در برابر دو من گندم، يا غير آن، مثل فروش يك من گندم در برابر يك من گندم با شرط انجام كاری برای او. در اسلام نه تنها رباخوار بلکه ربا دهنده و نويسنده قرارداد آن و گواه بر آن نيز مورد نكوهش قرار گرفته اند. شيخ صدوق از پيامبر اسلام ﷺ روايت مي كند:

«ان الله لعن آكل الربا و مركله و كاتبه و شاهديه؛<sup>۳</sup> به درستی كه خدای تعالی رباخوار و ربا دهنده و نويسنده قرارداد آن و دو شاهد آن را لعنت کرده است».

در قرآن كريم در چند مرحله با رباخواری مبارزه شده است: در مرحله اول ربا و رباخواری مورد نكوهش قرار گرفته و توجه به نيازهای اجتماعی و كوشش در جهت رفع نياز مستمندان بدون سودجويی مورد تاكيد قرار گرفته است:

«و ما آتيم من ربا ليربوا في اموال الناس فلا يربوا عند الله و ما آتيم من زكاة تريتدون وجه الله فارولك هم المضعفون؛<sup>۴</sup> آن چه را به عنوان ربا مي دهيد تا در اموال مردم فزونی يابد نزد خدا فزونی نخواهد يافت و آن چه را به عنوان زكات مي پردازيد و تنها رضای خدا را مي طلبيد، داراي پاداش مضاعف است». در مرحله بعد، رباخواران يهود مورد مذمت قرار گرفته اند، زيرا با وجود نهي دينی باز هم مرتكب اين كار زشت می شدند:

۱- تفسير نورالثقلين، ج ۱، ص ۷۷۲.

۲- القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۳۳ و اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۸۷.

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴. ۴- همان.

«وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّوَا وَ قَدْ نُهِرَا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمُ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۱</sup> و ربا گرفتن آنان با آن که از آن منع شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، و عذابی دردناک برای کافران از ایشان آماده کردیم».

در مرحله سوم، از ربای فاحش و بهره مضاعت نهی کرده و ترک آن را مایه رستگاری می‌شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْفَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چند برابر و بهره اندر بهره نخورید و از خدا بترسید، شاید رستگار شوید».

در مرحله چهارم، پس از آن که رباخواری را نوعی بیماری روانی و جنون می‌داند، آن را اعلان جنگ خدا و رسول او با انسان به حساب آورده و بازگرداندن آن چه از این راه به دست آمده را از شرایط ایمان می‌شمارد:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقْوَمُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ غَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَمْخَضُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»<sup>۳</sup> کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد، گاهی بیا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام (زیرا فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (-قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست، (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او به خدا واگذار می‌شود، (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که باز گردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند، و همیشه در آن می‌مانند - خداوند، ربا را نابود می‌کند، و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد»<sup>۳</sup>.

مرحوم کلینی از «سماعه» روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در جواب او که گفت: «به درستی دیدم که خداوند متعال ربا را در آیات متعدد یادآور شده است»، فرمود:

او تدری لم ذلک؟ قلت: لا قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف<sup>۴</sup>؛ آیا می‌دانی علت تکرار آن چیست؟ گفتم: نه. فرمود: به خاطر آن که مردم از انجام کار نیک خودداری نکنند».

مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع می‌گوید: امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤالات کتبی محمد بن

ستان فرمود:

۲- آل عمران / ۱۳۰.

۱- نساء / ۱۶۱.

۴- فروع کافی، ج ۵، ص ۱۴۶، (باب الربا)، حدیث ۷.

۳- بقره / ۲۷۶- ۲۷۵.

«وعلة تحريم الربا انما نهى الله عزوجل عنه لما فيه من فساد الاموال لان الانسان اذا اشترى الدرهم بالدراهمين كان ثمن الدرهم درهماً و ثمن الاخر باطلاً فبيع الربا و شراؤه و كس على كل حال على المشتري و على البائع فحذر الله تبارك و تعالى على العباد الربا لعلته فساد الاموال كما حذر على السفیه ان يدفع اليه ماله لما يتخوف عليه افساده؛ همانا علت حرمت ربا، نهی خداوند از آن است به خاطر این که ربا از بین بردن اموال است. زیرا وقتی کسی که یک درهم را با دو درهم می‌خرد، یک درهم در مقابل درهم است و یک درهم دیگر باطل است (اکل مال به باطل است) خرید و فروش ربا بر مشتری و با بایع خسران است بنابراین خداوند بندگان را از ربا منع کرد به دلیل این که فساد و از بین بردن اموال است همانطور که پرداخت اموال سفید به او را منع کرده است چون خوف از بین بردن اموال است»<sup>۱</sup>

بنابراین از دلایل تحريم ربا را می‌توان فساد و تباهی اموال دانست، زیرا ثروت را در یک قطب جامعه متمرکز و تعادل اقتصادی را بر هم می‌زند و زمینه را برای ایجاد فاصله‌های طبقاتی فراهم می‌آورد.

امام صادق علیه السلام علت تحريم ربا را پایین آمدن تولید و رکود اقتصادی و ترک تجارت بر شمرده است: «انه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا ليفر الناس من الحرام الى الحلال و الى التجارات و الى البيع و الشراء»<sup>۲</sup> اگر رباخواری حلال بود هر آینه مردم تجارت و فعالیت‌های تولیدی را که مورد نیاز آنان است ترک می‌کردند، پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال روی آورند و به سراغ کسب و کار و خرید و فروش بروند».

مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود:

«اخبث المكاسب كسب الربا؛ پلیدترین کسب‌ها، کسب از راه ربا است».

### ۱۳- اتلاف

اتلاف به معنی تلف کردن و از بین بردن مال است. در بینش اسلامی، هیچ کس حق ندارد چیزی را که مورد نیاز مردم است و خداوند آن را برای اصلاح حال عموم مردم قرار داده است تلف کند. به همین جهت، قرآن کریم از قراردادن اموال در اختیار افراد سفیه و نابالغ، نهی کرده و می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا<sup>۳</sup>؛ مال و ثروتی را که خداوند موجب پایداری زندگی شما قرار داده است، در اختیار افراد سفیه قرار ندهید».

امروزه یکی از عوامل فقر جهانی، از بین بردن کالاهای تولید شده، توسط کشورهای پیشرفته صنعتی است. آن‌ها به بهانه جلوگیری از سقوط قیمت‌ها، سالانه صدها هزار تن مواد غذایی را از بین

امروزه یکی از عوامل فقر جهانی، از بین بردن کالاهای تولید شده، توسط کشورهای پیشرفته صنعتی است. آن‌ها به بهانه جلوگیری از سقوط قیمت‌ها، سالانه صدها هزار تن مواد غذایی را از بین می‌برند، در حالی که هم‌زمان، میلیون‌ها انسان از گرسنگی رنج می‌برند. جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۸۱، به همین بهانه، یک میلیون تن مواد غذایی سالم را از بین برد.

می‌برند، در حالی که هم‌زمان، میلیون‌ها انسان از گرسنگی رنج می‌برند. جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۸۱، به همین بهانه، یک میلیون تن مواد غذایی سالم را از بین برد.<sup>۱</sup>

#### ۱۴- اتراف

واژه اتراف از ماده تَرَف است. ابن منظور می‌گوید: «التَّرَفُ التَّمُّمُ وَ التَّرْفَةُ التَّعْمَةُ<sup>۲</sup>». ابن اثیر در معنای مترف گفته است: «مترف کسی است که در فراخی نعمت به سر می‌برد و از لذت‌های دنیوی و امکانات مصرفی زیاد بهره‌مند است».<sup>۳</sup>

قرآن کریم در آیات متعددی زندگی گروه خوش‌گذرانان را مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ وَ چون بخوایم شهری را هلاک کنیم خوش‌گذرانان را وامی‌داریم تا در آن به انحراف و فساد بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد پس آن را زیر و زبر کنیم».

«وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُمْسِكْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الزَّارِعِينَ<sup>۴</sup>؛ و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم، زیرا زندگی خوش، آن‌ها را سرمست کرده بود. این است سراهایشان که پس از آنان - جز برای عده کمی - مورد سکونت قرار نگرفته و ماییم که وارث آنان بودیم». حرمت اتراف یکی از تمایزات اساسی مکتب اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری است. از دیدگاه اسلام مصرف‌گرایی و شادخواری‌ها و افسار گسیختگی در تأمین لذت‌های حیوانی به شدت محکوم است و تخصیص درآمد در مورد نیازهای مشروع و امکانات مصرفی نباید با سطح زندگی عموم مردم تفاوت فاحش داشته باشد.

#### ۱۵- کنز

حرمت کنز، نشان‌گر توجه عمیق اسلام به گردش صحیح درآمد است.

راغب اصفهانی می‌گوید: «کنز، گذاشتن مال روی هم و محفوظ داشتن آن است و اصل آن اَزْكَرْتُ الثَّمَرَ فِي الْوَعَاءِ است، یعنی خرما را در ظرف محفوظ داشتیم».<sup>۵</sup> در اقرب الموارد، صحاح اللغة، القاموس و مصباح اللغة آمده: «الكنزُ المالُ المدفون».<sup>۶</sup>

ظاهراً در مفهوم کنز، انباشته شدن و ذخیره کردن اموال، صحیح است و در قرآن کریم نیز کنز در هر یک از این دو معنا به کار رفته است:

«وَ أَمَا الْجِدَارُ فَكَانَ لِقُلَّامَيْنِ يَبِيئِينَ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا».<sup>۷</sup>

۱- اقتصاد اسلامی، ج ۲، ص ۶۵

۲- النهایة، ج ۱، ص ۱۸۷

۳- المفردات، راغب اصفهانی، ص ۴۴۲

۴- کهف / ۸۲

۵- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷

۶- قصص / ۵۸

۷- اقرب الموارد، بستانی، ج ۲، ص ۱۱۰۶

در این آیه غرض از کنز همان دَفینه پای دیوار است:  
«لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ»<sup>۱</sup>

در این جا مال و ثروت انباشته شده مراد است، زیرا بر پیامبر اکرم ﷺ پول فراوان انباشته شده‌ای نازل نشده است.

در قرآن کریم از گنج کردن اموال و دور کردن آن از گردش اقتصادی به شدت نکوهش شده و به عاملان آن وعده عذاب داده شده است:

«وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۲</sup>

اسلام در عین پذیرش مالکیت فردی، از تجمع بی رویه ثروت جلوگیری می‌کند. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

«لم نبعث لجمع المال و لكن بعثنا لاتفاقه»<sup>۳</sup>؛ ما برای انباشتن مال نیامدیم بلکه رسالت ما خرج کردن (صحیح) آن است.»

امام صادق ﷺ نیز می‌فرماید:

«خداوند این اموال فراوان را به شما داده تا در مسیری که خدا سوق داده است، خرج کنید نه این که آن را انباشته سازید.»<sup>۴</sup>

هم‌چنین رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«من اولی علی ذهب او فضة و لم ینفقه فی سبیل الله کان جمراً یوم القیامه یکوی به»<sup>۵</sup>؛ کسی که طلا و نقره خود را محکم ببندد و آن را در راه خدا خرج نکند، آن طلا و نقره در روز قیامت سنگی خواهد بود که به آن گذاخته می‌شود.»

بنابراین مسلمان حق ندارد درآمد خود را راکد بگذارد، بلکه موظف است آن را بر اساس ضوابط شرعی هزینه کند.



۲- توبه / ۳۴- ۳۵.

۴- الکافی، ج ۴، ص ۳۲، ح ۵.

۱- هود / ۱۲.

۳- مشکاة الانوار، ص ۳۲۱، ح ۱۰۱۸.

۵- الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۵۶، ح ۱۸.